

همیشه امکان اشتباه هست

«ما اشما همراه کارگردانانی مانند خاتم «بنی‌اعتماد» یا «آقای افغمی» بودید، خوب توانستید با این دیدگاه از کنار وارد شدن به این مسایل بگذرید.

به نظر من هر هنرمندی باید نیم‌نگاهی به سیاست داشته باشد. باید نگاه جامعه‌شناختی داشته باشد که از همه مهم‌تر است. شاید یک کارگردان سینما علاقه‌ای به جام‌ملت‌های اروپا نداشته باشد، ولی مطمئناً اخبار سیاسی را دنبال می‌کند. من کمتر هنرمندی را دیدم که این علاقه‌مندی را نداشته باشد. خودم هم یکی از علاقه‌مندان سیاست هستم. مثل بازی مطرح است یا هیجان یک قمار سنگین

■ اما هیچ وقت وارد نشدید؟

هیچ وقت! من خیلی دربارہ کسانی خواندم که پشت آرمان یا عقیده‌ای ایستادند و خبری از جلیوشان نداشتند. من در این دسته‌بندی‌ها پشت هیچ گروه و دسته‌نای نیایستم. به این دلیل که از نیات سرگروه‌های خبر بوم. می‌دانستم چه نمی‌خواهم. نمی‌دانستم چه می‌خواهم، برای همین فقط تماشاگر هستم.

■ ببینید شما فعالیت‌های جانبی هم انجام می‌دهید مثلاً سفیر غذا شدید اما از نیمه‌رها کردید!

خیلی آرزوهای بزرگی داشتم و دیدیم در مجموعه توانایی‌های مشترک نیست. ما هر چه می‌خواستیم بگوییم جلوبمان را می‌گرفتند. من یکبار خیلی ناراحت شدم. به یک کمب اوارگان افغان رفتم، یکی از آنها گفت ما یک خواهشی داریم به ما گوه‌ای نامه رانندگی بدهند. گفتیم که خب مگر می‌شود، ۲۸ سال است که در اردوگاه هستند و نتوانند یک گواهینامه ساده بگیرند؟ گفتند یک وقت نگویند، این مسایل ربطی به ما ندارد. به نظر من این روش و نگاه انسانی نیست. ببینید من نگاه ملتی ندارم، اصل انسانیت است. سال‌ها پیش ما یک‌سری آواره از کوه و بیابان تحویل آمریکا و اروپا دادیم و بعد از ۳۰سال دکتر و مهندس و جراح تحویل گرفتیم. درست است یک عده هم در همان جوامع ناموفق شدند اما شرایط مهیا بوده، اما ۳۰سال پیش ما یک‌سری کارگر از افغانستان تحویل گرفتیم الان هم داریم با همان وضع آنها را پس می‌دهیم. مشکل ما این است. مگر استعداد، توان، هوش و خلاقیت، منحصر به ملیت و قوم است؟ پس از آن اختلافات شروع شد و من فکر کردم آنها فقط تصویر مرا می‌خوانند و خب یک‌سری عکس و خبر هم ازش می‌گیرند که گفتیم خان‌گهاذر، هرچند رفند غذای سازمان ملل در ایران بسیار مجموعه شریف و دوست‌داشتنی است. اما آرزوهایمان به هم نمی‌خورد و با هم یکی نبود.

■ اما حاضردید در برنامه‌های خاص مثلاً برای افغان‌ها ظاهر شوید.

حتماً چراکه نه، مشکلی در این زمینه ندارم، کم‌اینکه سعی می‌کنم تلاش انسان‌دوستانه‌ام را قطع نکنم. به نظر من ملیت دلیل انسانیت نیست. هیچ کس جلیوش نیست این ماجراهایی که اخیراً در اصفهان و مازندران و... علیه افغانی‌ها اتفاق افتاده دور از شأن انسانی است.

■ جقدر به نظر دیگران در هنگام انجام کار توجہ می‌کنید؟

حتی اگر تهیه‌کننده هم بشوم، حق و حق را برای خودم بر نمی‌دارم. من باید به شعور کارگردان احترام بگذارم، در زمینه آلبوم هم همین‌طور بود. از یک خرد جمعی بهره می‌گرفتم. این طوری نبود که بگویم حرف، حرف من است. مثل یک هیأت‌مدیره که نظر از یک جمعی مشخص می‌کرند. هر چند می‌دانستم تہ آن امضای من است و نام من پایش است.

■ به دلیل تجربه کم‌تان در این زمینه نبود که به خرد جمعی احترام می‌گذاشتید؟

من صد سالم هم بشود به خرد جمعی اعتقاد دارم. من همیشه جا برای اشتباهم می‌گذارم. عقل کل که نیستم. باید پذیرید اشتباه هم ممکن است.

■ نگاه‌تان به هنر بر براتن بیشتر دوست داشتن است یا وظیفه، پول و...

هنر عشق است. هنر به محض اینکه وظیفه شود و منبع درآمد باشد خراب می‌شود. هر فیلمی را به دلیل دستمزد آنچنانی بازی کردم، بد شد. هرچند مساله مالی هم اهمیت خودش را دارد، اما س‌هر فیلمی که فقط رقم قرارداد من را وسوسه کرد، خراب شد. هنر مدامی که عشق و خلاقه و رسیدن به لذت باشد، قشنگ است.

■ چه تصویری از خودتان در ذهن دارید؟

مجموعه این کارهایی که انجام دادم چه در سینما چه در موسیقی. هرچند در آینده من به جاهای بیشتری می‌برم.

■ اصلا به این کلمه هنرمند رسیدید؟

از نظر من همه آرتیست هستند حالا دیگران باید بگویند که چه کسی آرتیست خوب است و چه کسی بد.

■ شما هم که هنرمند خوبی هستید!

چنین قضائتی باشماست، دوست دارم خوب باشم و از تلاش در این راه دریغ نمی‌کنم. من الان در جایی هستم که در کارنامه‌ام هم کارهای خوب وجود دارد و هم کار بد. ولی کارنامه برپاری دارم. اینکه جقدر به اهدافم رسیدم یا نه، مهم نیست. سعی و تلاش کردم دوران حضورم متنوع باشد.

■ در مجموع روند حضورتان سینوسی است.

ببینید «آل پاجینو» هم رفت و ۸۸ را بازی کرد. وقتی آلپاجینو هم فیلم ضعیف بازی کرده، می‌شود به این نکته رسید که عوامل مختلفی در اثر خوب موثرند که همیشه پیش‌نمانند اما فارغ از اینها زندگی هم‌لش سینوسی است، فعلاً سینما حالش خوب نیست، احتیاج به اتحاد همه عوامل موثر است برای بازگرداندن روحیه و انگیزه.

■ جطور انگیزه‌تان برای بازیگری برمی‌گردد؟

یک نقش خوب در یک قصه خوب و در نهایت یک فیلم خوب.

■ در این گفت‌وگو جقدر بازی کردید؟

من سعی کردم صداقله و صریح حرف بزنم. با احترام به همه برداشت‌ها، جولهم به سوال شما این است که اشکال در فرستنده نیست، به گیرنده‌های خود دست نزنید.

شرق: «ماریو بارگاس یوسا» از آن دست افرادی است که تمام مشاغل پر مخاطره را در کارنامه زندگی‌اش دارد. او نویسنده، سیاستمدار، روزنامه‌نگار و مقاله‌نویس اهل پرو است که در سال ۲۰۱۰ برنده جایزه نوبل ادبی شد. وی یکی از تاثیرگذارترین نویسندگان آمریکای لاتین است که بسیاری از منتقدان او را به عنوان یکی از برترین نویسندگان قرن می‌شناسند. ماریو بارگاس یوسا در مصاحبه‌ای با گاردین از مخاطرات نوشتن پس از کسب جایزه نوبل و داستان جدیدش که بر پایه یک شخصیت واقعی است، صحبت کرد: زمانی‌که یوسا بالای قبر «اجر کیسیمنت» رفت. قهرمانی که محور اصلی آخرین رمان او است: «لو یک قهرمان بود، با نقض‌های زیاد مانند یک انسان، که این ویژگی‌ها باعث شد با او همذات‌پنداری کنم. در واقع احساسم بیش از همذات‌پنداری است. اما خیلی از مردم در قبول قهرمان‌هایی که کامل نیستند، مشکل دارند.»

این گفته‌های برنده جایزه نوبل در دفتر انتشاراتی‌اش در لندن درباره شخصیت رمان آخرش بود. او در قبرستان کلاسونین در دوبلین قبر «اجر کیسیمنت» قهرمان ایرلندی را که

توسط انگلیسی‌ها در سال

۱۹۱۶ به‌دار آویخته شده بود، پیدا کرد. یوسا می‌گوید:

«مشاهده قبر کیسیمنت خیلی ناراحت‌کننده بود؛ زیرا

روی مقبره هر مبارز ایرلندی دسته گلی وجود دارد اما قبر کیسیمنت بدون گل است.»
رمان جدید یوسا با نام

the Celt (روای سلتی) بر پایه زندگی این مبارز ایرلندی

منتشر شده است: «هر کدام از ما به‌طور پیوسته موفقیت کسب می‌کنیم نه یکی بلکه زیاد، اما شخصیت‌های پی‌درپی

گفت‌وگوی گاردین با «ماریو بارگاس یوسا»

نوبل یک هفته شیرین است؛ بعد کابوس می‌شود



موفق که تبدیل به چیز دیگری می‌شوند برای ما قابل پذیرش نیستند. درون این شخصیت‌ها هم تضادهای حیرت‌انگیزی وجود دارد.»

این چیزی است که یوسا را مسحور خود کرده است؛ تضادحیرت‌انگیز او می‌گوید: «فکر می‌کنم کیسیمنت هیچ وقت به طور کامل

توسط جامعه پذیرفته نشد. همیشه بی‌میلی در پذیرش این پیچیدگی‌ها وجود داشته است. پیچیدگی که طبیعت آدمی است. ما کامل نیستیم اما نمی‌توانیم این کامل نبودن را در

شمقوری: همه به قانون برگردیم

چه فیلم‌هایی مشکل دارند



احتمالی، فیلم من نیست.» «پذیرایی ساده» مانی حقیقی هم در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و حاشیه‌ای به دنبال نداشت اما برخی پیش‌بینی می‌کنند این فیلم هم با توجه به حواشی اخیر در اکران، اکراش در این روزهای پر حاشیه با مشکل مواجه باشد اما سرانجام برای این مشکل سال دور از انتظار نیست. «غض» ساخته رضا درمیشیان که در جشنواره فیلم فجر هم به دلیل برخی ممیزی‌ها نمایش‌های محدودی داشت، دو روایت موازی از دو مقطع متفاوت از زندگی زاله و حامد، دو جوان مهاجر ایرانی در ترکیه است. دو بازیگر اصلی این فیلم بابک حمیدیان و باران

«کابولای» تاجر

فارسی: «فرانسیس فورد کاپولا» فیلمساز ایتالیایی تبار هالیوود با ۷۳سال سن، به جز کارگردانی، فیلمنامه می‌نویسد، تجارت می‌کند، مجله چلی می‌کند و صاحب هتل نیز است. او که چندماه پیش پنجمین هتل خود با نام «پلازو مارگاریتا» را افتتاح کرد، در این‌باره می‌گوید: «فتتاح یک هتل شباهت زیادی به ساخت یک فیلم دارد.

مورد قهرمانان پذیریم.» او در مورد اتهاماتی که به کیسیمنت وارد شده، گفت: «همه شواهد مبنی بر این است که او فردی بسیار مودب و خجالتی بوده است؛ کسی که حتی با شنیدن کلمات رکیک سرخ می‌شده است.» این مواردی است که از خاطرات او می‌توان دریافت. شاید همین امر باعث شده که دفترچه خاطرات او توسط ماموران انگلیسی کشف شود. عدم اطمینان در مورد شخصیت اول رمان هم برای یوسا نکته منفی نیست. یوسا اعتراف می‌کند که در داستان‌هایی که پیرامون شخصیت‌های تاریخی می‌نویسد حلقه‌های دیگری وجود دارد. «به خودم زیاد سخت نمی‌گیرم.» بردن جایزه ادبی نوبل را به دیگر نویسندگان پیشنهاد می‌کنی؟ در جواب می‌خندد: «جایزه نوبل برای یک هفته یک رویاست و برای یکسال یک کابوس است. نمی‌توانی فشار مصاحبه‌ها، رفتن به کتابفروشی‌ها و بقیه موارد تبلیغاتی را تصور کنی. سال اول بسیار دشوار است. به سختی می‌توانستم بنویسم.» اما او پس از این جایزه بین‌المللی دوباره شروع به نوشتن کرده است. باید دید پس از یکسال کابوس رمان جدیدش برایش موفقیت محسوب می‌شود یا نه.

کوثری هستند. «تلفن همراه رئیس‌جمهور» به کارگردانی علی عطشانی در مقطعی تبلیغاتش را برای اکران آغاز کرد و حتی تاریخ نمایش آن هم مشخص شد اما گویا مسوولان ترجیح دادند با توجه به حاشیه‌های اکران، دوباره وارد حاشیه جدیدی پس از اکران یک فیلم نشوند بنابراین اکران آن را به تعویق انداختند. «زندگی خصوصی آقا و خانم میم» به کارگردانی روح‌الله حجازی که در بخش رقابتی جشنواره فیلم فجر به نمایش درنیامد و سرانجام در بخش خارج از مسابقه به نمایش درآمد. «خرس» به کارگردانی خسرو معصومی نیز در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد اما با توجه به مضمون، با حاشیه‌هایی همراه بود. «ضدگلوله» که اخیراً شایعاتی مبنی بر تغییر پایان‌بندی آن به گوش می‌رسد از جمله دیگر فیلم‌های جشنواره فجر است که برای اکران عمومی با حرف و حدیث‌هایی مواجه شده است. با توجه به مضمون فیلم «هنر همسرش هستم» و فضای این روزهای اکران، پیش‌بینی می‌شود دست‌اندرکاران این فیلم ترجیح دهند فعلاً این فیلم را هم به نمایش ننگانند. به گزارش ایسنا، در حالی حاشیه‌های اکران در سینماها به معضل جدی این روزها تبدیل شده است که سیدعلیرضا سجادیپور –مدیر اداره نظارت و ارزشیابی در یک گفت‌وگوی تلویزیونی– سال گذشته پیش از جشنواره فجر مطرح کرد: «یکی از ویژگی‌های مهم دوره سوم جشنواره فخر این است که بیشتر فیلم‌هایی که در جشنواره هستند پروانه نمایش می‌گیرند، این یکی از مهم‌ترین تغییراتی است که در ساختار جشنواره فجر داده شده است. در دوره‌های قبل چون فیلم‌ها خیلی دیر به دفتر جشنواره می‌رسید، هیات انتخاب گاه مجبور می‌شد نسخه‌های ناقص فیلم را ببیند و ما نیز به همین دلیل مجبور بودیم پروانه نمایش موقت برای فیلم‌ها صادر کنیم. این مساله باعث می‌شد فیلم‌ها در هنگام اکران عمومی در صف طولانی پروانه نمایش بمانند.»به گزارش ایسنا، این گزارش و اسامی فیلم‌هایی که مطرح شد یک پیش‌بینی بود و باید دید آیا تا پایان سال این فیلم‌ها فرصت اکران پیدا می‌کنند؟



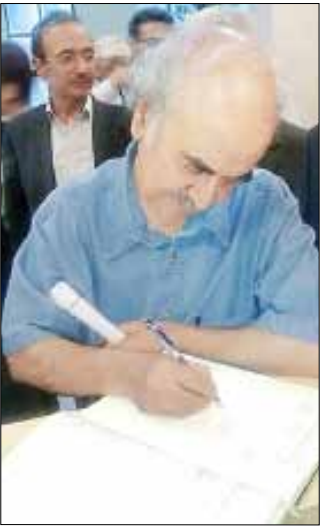
نحوه آشنایی «ستاری» با «جمالزاده»

ایسنا: «جلال ستاری» گفت: «اتهام‌ای به محمعلی جمالزاده نوشتم. خواستم مرا راهنمایی کند که از کجای می‌توان سبک‌ها و زان‌های ادبی را در آثار ایرانی بازیافت و خواند، جواب من را به تفصیل داد. هشت، ۹ صفحه بود. قانع نشدم و نامه‌ای دیگر نوشتم. آشنایی ما از این نامه‌نگاری آغاز شد.

نمایش آثار هنرمندان زن جشنواره «پرسبوک» در آمریکا

«جلبه‌جایی فزاینده درون و برون‌مرزی افراد، سرعت بالای ارتباطات، وصل بودن به شبکه‌های متعدد و مصرف کالاها و تولیدات فرهنگی از سرزمین‌های مختلف، حس وابستگی و تعلق خاطر به مکان و چیزها و برای گروهی تشدید و برای عده‌ای مورد تردید قرار داده است. بیان هنرمندان درنگ بر مرز یا بی‌مرزی نیاز زمانه ماست.» غلامحسین نامی هم درباره مرز سبید معتقد است: «در گستره اندیشه هنرمند، همه دریافت‌های او از جهان پیرامونش حضور دارند، در حیطه هنر جهان معاصر، به دلیل سرعت فزاینده و غیرقابل کنترل رسانه‌های ارتباطی هراس انگیز!ا دیگر درون و برون‌مرزهای جغرافیایی می‌معناست، آنچه که اصل است، اندیشه انسانی است که مرز نمی‌شناسد.» زمان اعلام نتایج بخش عملی نیز ۲۰ مرداد خواهد بود. علاقه‌مندان بخش تئوری این جشنواره هنرهای تجسمی می‌توانند از اول تا ۲۰ شهریور آثار خود را ارسال کنند که نتایج این بخش نیز ۳۱ شهریور اعلام خواهد شد. اطلاعات بیشتر در http://www.persbookart.com قابل دسترسی است.

پس از مراسم تشییع جنازه «پریسلی» در آگوست ۱۹۷۷، جسد وی به طور موقت در مقبره‌ای خصوصی در قبرستان «فارست هیل» ایالت تنسی آمریکا دفن شد. اما پس از گذشت دوماه، وی و مدارش با حضور جمعی از ۸هزار نفر به قبرستان دیگر واقع در گریسلند منتقل شدند. این مراسم که حراجی «جولینز» قصد به حراج گذاشتن این محل را دارد، بیش از ۱۰ هزار نفر از دوستداران موسیقی پریسلی درفراستی را امضا کردند تا این کار را متوقف کنند. موفقیت آنها زمانی به اثبات رسید که حراجی «جولینز» اعلام کرد، مقبره را تا زمانی که قبرستان تصمیمی با رضایت طرفداران این هنرمند اتخاذ نکند، به فروش نمی‌رساند.



مهر: مراسم بزرگداشت «حسن احمدی‌کیوی» استاد فقید زبان فارسی با حضور جمعی از هنرمندان، به‌ویژه بسیاری بود: این برنامه – فلک بسیاری از برنامه‌های حوزه فرهنگی – بدون تأخیر شروع شد. به‌چهره‌های مطرح حوزه زبان و ادبیات فارسی کشورمان از جمله حسن انوری، توفیق سبحانی، ژاله آموزگار و ادیب برومند حتی ۲۰ دقیقه قبل از شروع مراسم، در سالن حاضر بودند. مراسم که تمام شد، به‌مددراضا شفیع‌ی‌کدکنی، استاد پیشگسوت زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بعد از اینکه دفتر یادبود استاد احمدی‌کیوی را امضا کرد، از موسسه لغتنامه دهخدا خارج شد و عرض خیربان ولی عصر (عج) را طن کرد و خودش را به اتوبوس‌های خط تحریش – راه‌آهن رساند.

خبر اتلانی: فیلم سینمایی «خرس» به کارگردانی «خسرو معصومی» جایزه اصلی پانزدهمین دوره جشنواره فیلم شانگهای را دریافت کرد. نماینده سینمای ایران جایزه جام طلایی بهترین فیلم بلند داستانی را از آن خود کرد. «خرس» داستان طبعی‌ای است که در جنگ ایران و عراق مفقود اثر می‌شود. خسرو معصومی سال ۲۰۰۴ نیز با فیلم «رسم عاشوق‌کشی» برنده جایزه اصلی جشنواره شانگهای شد. هیات داوران جشنواره فیلم شانگهای ۲۰۱۲ به ریاست ژان ژاک آتو فیلمساز فرانسوی، جایزه جام طلایی بهترین بازیگر مرد را به ولاداس باگدوناس برای فیلم The Conductors» اعطا کرد. اورسولا پروندا برای فیلم مکزیکی «روایی لو» برنده جایزه بهترین بازیگر زن شد.



گزارش تصویری

لاله اسکندری:

سعی کردم کم‌کاری نکنم

■ ماجرای بازیگرانی که تنها به ایفای نقش اکتفا نمی‌کنند خاص ایران نیست و در کشورهای مختلف نیز اتفاق می‌افتد. اینکه بازیگری کجای زندگی‌شان قرار دارد و به چه دلیل به سراغ فعالیت‌های دیگر می‌روند را در صفحات ۱۰ و ۱۱ امروز بررسی کردیم. یکی از کسانی که علاوه بر بازیگری به سراغ فعالیت‌های دیگر رفته، «لاله اسکندری» است. با او هم در ادامه این پرونده گفت‌وگو کردیم. او می‌گوید پیش از حضور در بازیگری فعالیت تجسمی داشته است.



■ ■ ■

■ بازیگری کجای زندگی حرفه‌ای شما وجود دارد؟

به هرحال قدمت کار من در حوزه هنرهای تجسمی بیشتر است، اما حدود ۱۲ سال است که به طور مداوم به بازیگری پرداخته‌ام. ولی متأسفانه پرداختن به هنرهای تجسمی به دلیل حرفه بازیگرآم وقفه‌هایی داشته است. البته این را باید بگویم که ارتباطم را با این حوزه قطع نکردهام. تفکیک این دو مقوله از هم برایم سخت است. کار طبیعی است که حرفه بازیگری به گونه‌ای است که وقتی درگیرش می‌شوی، تمام وقعات را می‌گیرد و ارتباطات با هنرهای دیگر کم می‌شود. اما همیشه سعی خودم را کرده‌ام که بین این دو مقوله توازن ایجاد کنم و بتوانم سالی یک پروژه را در زمینه هنرهای تجسمی هم پیش ببرم.

■ محدودیت‌هایی این روزها برای بازیگران پیش می‌آید، با فیلم‌ها نشان توقیف می‌شود یا پیش‌بینش در خور توجهی به آنها نمی‌شود. به نظر‌تان این مساله جقدر باعث می‌شود که بازیگران هنرهای دیگر را هم تجربه‌کنند؟

من فکر می‌کنم محدود کردن هنر کار درستی نیست و هرکسی که خلاقیتی دارد، می‌تواند در تمام هنرهای هشتگانه ورود پیدا کند. خوش‌تر امحک بزند. ممکن است در بعضی از رشته‌ها توانایی‌های بیشتری داشته باشد، اما اینکه اگر بخواهد خودش را به یک رشته محدود کند و تا آخر عمرش بازیگری کند و بگوید نه کارگردانی نمی‌کنم، نقاشی نمی‌کنم، کار درستی نیست. من فکر می‌کنم در سال‌های اخیر در ایران فضا ایجاد شده، خصوصاً نسبت به بازیگران حالت تدافعی وجود دارد که نباید به عرصه‌های دیگر ورود پیدا کنند. در صورتی که من فکر می‌کنم اگر از لحاظ کیفیت محصول فرهنگی – هنری دارای کیفیت باشد، چرا نباید اتفاق بیفتد؟ اتفاقاً برای مردم هم جذاب است که ببینند هنرمندی که دوستش دار، دنیای دیگریش چگونه است. من فکر می‌کنم بازیگری به دلیل اینکه نسبت

به دیگر رشته‌های هنری شتاب به شهرت رسیدن بیشتری دارد به هرحال هنرمندی می‌تواند در رشته‌های دیگر هم خودش را زودتر اثبات کند. شما می‌بینید فرد در بازیگری در ظرف یک سال تبدیل به یک چهره می‌شود. این جایگاه که ذات بازیگری ایجاد می‌کند باعث ایجاد حساسیت روی آن می‌شود. در حوزه بازی تصویری دیگر نیازی به خاک صحنه خوردن نیست و همه‌چیز سهل‌الوصول‌تر به دست می‌آید. اما اگر از آن طرف هم به آن نگاه کنید باز کسانی مانندکار در این عرصه بودند که خلاقیت‌هایی بیشتر از یک ستاره زودگذر داشته‌اند. آن کسی باقی می‌ماند که حرفی برای گفتن نداشته باشد. فکر می‌کنم یک جوری که بخواهیم هنرها را ببندیم و هر کس در رشته‌ای که هست بماند یک برخورد دمکی محسوب می‌شود. ممکن است خیلی از همکاران من باشند که شاید به نوعی از ناشناس استفاده می‌برند و کیفیت آثار هنری‌شان در حد تبلیغاتی که برایشان شده، نبوده. ولی اینکه اگر بخواهیم همه را به یک چشم ببینیم و چون مردم من را به عنوان بازیگر می‌بینند نمی‌توانم نقاشی کنم. کمی بی‌انصافی است. من پیشینه ۲۰ ساله در این زمینه دارم و چندین نمایشگاه داخلی و خارجی برگزار کرده‌ام. به همین دلیل این اسمش اتفاق نیست که من فرضاً به خاطرش دچار شوری شوم و با تب عکاسی که در میان بازیگران رخ داده بروز و عکاسی کنم. من ۱۹ سال است عکاسی می‌کنم. متأسفانه فضاهای ساخته‌شده در چند سال اخیر به نوعی همه چیز را سخت کرد. من فکر می‌کنم خود مردم تشخیص بدهند چه کسی دچار هیجان شده و چه کسی توانایی ارایه محصول در این زمینه را دارد.

■ شهرت‌شما در بازیگری جقدر به موفقیت‌شما در

عرصه‌های تجسمی کمک کرد؟

قطعاً موثر بوده. به دلیل اینکه وقتی بازیگر هستی مورد توجه مردم هم هستی. ولی واقعیت این است که تلاش من در تمام این سال‌ها این بوده که شخصیت بازیگریم از شخصیت‌های دیگرم جدا باشد. من شش سال است که کار گاشی‌کاری شهری انجام دادم. هرچند اسم من به مسافانه پایین این کارها نیست و رویش رنگ شده و واقاً تلاشم این بوده به عنوان یک گرافیس‌ت کم‌کاری نکنم.

■ پس چران‌تان پایین آزارتان نیست؟

راستش مدت‌هاست که سر این موضوع بحث کردیم و به نتیجه نرسیدیم و هیچ‌کس به گردن نمی‌گیرد. برایم عجیب است چون تمام کارهایی که در سطح شهر هستند همه اسم دارند و تاریخ خورده‌اند، این هم از مضرات بازیگری است و می‌شود به عنوان معایبش به آن نگاه کرد. انگار که تو داری به عنوان یک بازیگر برای خودت برندسازی می‌کنی در صورتی که هنر همنندی حشش را دارد که پایین اثرش امضا داشته باشد، اما من در چند سال اخیر از این اتفاق محروم بودهام و تمام کارهایم بدون اسم باقی مانده اما مردم می‌دانند که کار، کار من است و همین هم برای من کافی است.